

ORIGINAL ARTICLE

Industrial Development and Business Environment Improvement Strategies in the Provinces of the Country

Siavash Jani¹ (ORCID: 0000000152603493) , Azam pour abdollah

1. Associate Professor,
Department of Economics,
Payame Noor University,
Tehran, Iran
2. M.A. Economics

Correspondence:
Siavash Jani
Email: s.jani@pnu.ac.ir

Received: 23 Feb 2026
Revised: 12 May 2026
Accepted: 30 May 2026

How to cite:

Jani, S. & pour abdollah, A. (2025). Industrial Development and Business Environment Improvement Strategies in the Provinces of the Country, Industrial Economics Researches ,9 (33), 12-33

(DOI: [10.30473/jier.2026.62033.1533](https://doi.org/10.30473/jier.2026.62033.1533))

ABSTRACT

The purpose of this study is to provide strategies to improve business environment in different provinces of the country with emphasis on their industrial level. For this purpose, by analyzing different points of view, the factors affecting the business environment were examined and introduced in the form of economic, infrastructure, institutional, legal and executive factors. In the following, the factors were measured separately for industrial, semi-industrial and traditional provinces and seasonally for the period (2011-2020) and by presenting a model, the effect of each of the factors on the provincial business index was estimated with a panel data approach. The results of model estimation in industrial provinces showed that infrastructure, institutional, executive and economic factors respectively have the greatest impact on business environment promotion. Also, in semi-industrial provinces, infrastructural, legal, and economic factors, and in traditional provinces, infrastructural, legal, and economic factors have the greatest impact on improving the business environment, respectively. The analysis of the results of this study indicated that in order to improve the business environment of the provinces of the country, it is necessary to update the legal frameworks in accordance with the industrial development of the provinces and to strengthen the infrastructures in the industrial and semi-industrial provinces.

KEYWORDS

Business environment, industrial level, country's provinces

JEL: L5, O14, M2



دو فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد صنعتی

سال نهم، شماره سی و سوم، پاییز و زمستان، ۱۴۰۴ (۱۸۹-۱۶۹)

DOI: 10.30473/jier.2026.62033.1533

«مقاله پژوهشی»

توسعه صنعتی و راهبردهای بهبود کسب و کار در استان‌های کشور

سیاوش جانی^۱

اعظم پورعبدا...^۲

چکیده

هدف از این مطالعه ارائه راهبردهایی برای بهبود فضای کسب و کار استان‌های مختلف کشور متناسب با میزان صنعتی بودن آنهاست. به همین منظور ابتدا با تحلیل دیدگاه‌های مختلف، عوامل موثر بر فضای کسب و کار بررسی و در قالب عوامل اقتصادی، زیربنایی، نهادی، حقوقی و اجرایی معرفی شد. در ادامه عوامل مذکور به تفکیک استان‌های صنعتی، نیمه صنعتی و سنتی و به صورت فصلی برای دوره (۱۴۰۰-۱۳۹۰) مورد سنجش قرار گرفت و با ارائه الگویی، تاثیر هر کدام از عوامل مذکور بر شاخص کسب و کار استانی با رویکرد داده‌های پانلی برآورد شد. نتایج تخمین الگو در استان‌های صنعتی نشان داد که عوامل زیربنایی، نهادی، اجرایی و اقتصادی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر ارتقاء فضای کسب و کار دارند. همچنین در استان‌های نیمه صنعتی، عوامل زیر بنایی، حقوقی و اقتصادی و در استان‌های سنتی عوامل زیر بنایی، حقوقی و اقتصادی به ترتیب دارای بیشترین تاثیر بر بهبود فضای کسب و کار هستند. تحلیل نتایج این مطالعه حاکی از آن است که برای بهبود فضای کسب و کار استان‌های کشور لازم است چارچوب‌های حقوقی متناسب با توسعه صنعتی استان‌ها بروز گردد و زیر بناها در استان‌های صنعتی و نیمه صنعتی تقویت شوند.

واژه‌های کلیدی

مناطق نمونه گردشگری، سرمایه‌گذاری، قرارداد مشارکت عمومی - خصوصی، واگذاری.

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده مدیریت، دانشگاه

پیام نور، تهران، ایران

۲- کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه پیام نور

نویسنده مسئول:

سیاوش جانی

رایانامه: s.jani@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹

استناد به این مقاله:

جانی، سیاوش و پورعبدا... اعظم (۱۴۰۴). توسعه

صنعتی و راهبردهای بهبود کسب و کار در استان

های کشور، دو فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد

صنعتی، ۹(۳۳): ۱۲-۲۳

(DOI: 10.30473/jier.2026.62033.1533)

طبقه بندی JEL: M2, O14, L5

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. © ۱۴۰۴. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشر شده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)



خصوصی را فراهم سازند. در واقع علی‌رغم اینکه فضای کسب و کار از عوامل متفاوتی تاثیر می‌پذیرد اما در هر جامعه ای برخی از عوامل مذکور دارای اهمیت ویژه ای هستند و پرداختن به آنها موجب ارتقاء بیشتر فضای کسب و کار می‌شود. به عبارتی سیاست های دولت در بهبود کسب و کار زمانی عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند که ابعاد مهم فضای کسب و کار هر جامعه مورد شناسایی و توجه قرار گیرند.

با عنایت به مراتب فوق شناسایی ابعاد مهم فضای کسب و کار هر جامعه، مستلزم توجه به مفهوم فضای کسب و کار و تدوین شاخص های مناسب با عنایت به ویژگی‌های هر جامعه است. این در حالی است که بررسی های صورت گرفته همانند مطالعات تئودوریکا (۲۰۱۵)، ساین (۲۰۱۵)، مکیان و همکاران (۱۳۹۲)، از شاخص سهولت فضای کسب و کار بانک جهانی برای مشخص نمودن درجه اهمیت ابعاد متفاوت کسب و کار استفاده نمودند. شاخص سهولت کسب و کار^۵ بانک جهانی در مطالعات مذکور برای تعیین ابعاد مختلف کسب و کار کشورها در حالی استفاده شده است که فضای حاکم بر کسب و کار کشورهای مختلف، به دلیل وجود زیرساخت‌های متفاوت، شرایط کلان اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مختلف کشورها، یکسان نیست و سنجش ابعاد مختلف فضاهای کسب و کار متفاوت کشورها با شاخص یکسان، نتایج معتبری را ارائه نخواهد داد. در واقع ارائه راهکارهای بهبود فضای کسب و کار، مستلزم شناخت ویژگی های جامعه و شاخص های متناسب با شرایط کسب و کار آن جامعه است. ضمن اینکه هر جامعه ای با توجه به مراحل رشد و توسعه خود، با مسائل و موانع متفاوت کسب و کار همراه است و این موضوع ضرورت بررسی عوامل موثر بر فضای کسب و کار را در مراحل مختلف رشد یک جامعه مورد تاکید قرار می‌دهد.

استدلال های فوق نشان می‌دهد که بررسی اهمیت ابعاد فضای کسب و کار نیازمند استفاده از شاخص هایی متناسب با ویژگی‌های هر جامعه بوده که به این موضوع در تحقیقات پیشین توجه نشده است. علاوه بر این در مطالعات تجربی صورت گرفته

۱. مقدمه

پس از دهه ۱۹۸۰ و با بروز ناکارآمدی دولت، ضرورت کاهش تصدگری دولت و حضور بیشتر بخش خصوصی در اقتصاد مورد توجه قرار گرفت. برخی از کشورها با اتخاذ رویکرد خصوصی سازی و فراهم نمودن ساز و کارهای مورد نیاز توانسته‌اند زمینه وقوع اتفاقات مثبت را در اقتصاد فراهم نمایند. در این میان کشورهایی مانند چین، ویتنام، مجارستان و لهستان کوشیدند با رفع موانع توسعه بخش خصوصی (بهبود محیط کسب و کار) و نه خصوصی سازی، سهم بخش خصوصی را به طور قابل توجه در اقتصاد ارتقاء دهند. تجربه کشور های مذکور این ایده را مطرح ساخت که برای تبدیل اقتصاد دولتی به اقتصاد غیر دولتی به جای راهبرد خصوصی سازی می‌توان از راهبرد بهبود محیط کسب و کار بهره گرفت. وقوع چنین تحولاتی در کشورهای یاد شده از یک سو و طرح نظریات جدید از جمله نظریه دستاویز سوی دیگر سبب شد تا نظریه پردازان و سیاستگذاران که در اوایل دهه ۱۹۸۰ به خصوصی سازی توجه داشتند، از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود محیط کسب و کار را مورد تاکید قرار دهند (میدری و قودجانی، ۱۳۸۷). در این میان بسیاری از محققین از جمله کارشناسان بانک جهانی با تدوین شاخص هایی سعی نمودند عملکرد کشورها را به صورت سالانه در حوزه کسب و کار رصد نمایند.

بررسی سالانه گزارش های بانک جهانی در خصوص عملکرد فضای کسب و کار نشان می‌دهد بسیاری از کشورها در بهبود فضای کسب و کار عملکرد خوبی داشته اند، اما علی‌رغم تلاش های صورت گرفته، توفیق چندانی در ایران در خصوص بهبود فضای کسب و کار وجود نداشته و رتبه ایران در فضای کسب و کار در سال ۲۰۲۰ در بین ۱۹۰ کشور، ۱۲۷ بوده است.^۱

بررسی بیشتر عملکرد کشورهای موفق در حوزه کسب و کار نشان می‌دهد که هر کدام از این کشورها با پرداختن به ابعادی از محیط کسب و کار و حذف موانع اداری و بوروکراسی در آن حوزه سعی نمودند زمینه های لازم برای فعالیت بیشتر بخش

⁴ Singh

⁵ Ease of Doing Business

¹ Desoto

² <https://data.worldbank.org>

³ Teodorica

نتایج به تفکیک استان های صنعتی، نیمه صنعتی و سنتی ارائه می شود. در نهایت با تحلیل نتایج، راهبرد بهبود فضای کسب و کار به تفکیک استان ها و بر حسب درجه صنعتی آنها، در بخش جمع بندی و نتیجه گیری ارائه می شود.

۲- ادبیات موضوع

مبانی نظری

در ادبیات اقتصادی فضای کسب و کار مشتمل بر مجموعه عوامل محیطی است که تحت تاثیر تصمیمات سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی نبوده، اما بر عملکرد آنها تاثیر می گذارد و انگیزه آنها را برای ورود به عرصه تولید تحت تاثیر قرار می دهد. عوامل مذکور که تحت تاثیر شرایط اقتصادی، نهادها، قوانین و مقررات، شوک های داخلی و خارجی، سیاست های دولت، بازیگران اقتصادی و نحوه تعاملات و الگوهای رفتاری آنها قرار دارد، در جوامع مختلف، متفاوت بوده و هر کدام از عوامل مذکور در بهبود فضای کسب و کار نقش خاصی را ایفاء می نمایند.

برای بررسی بیشتر و درک جایگاه و ماهیت عوامل مؤثر بر محیط کسب و کار می توان آن را با ادبیات مطرح شده در حوزه اقتصاد کلان تطبیق داد. با این رویکرد فضای کسب و کار به عنوان یک محیط کلان اقتصادی قلمداد گردیده که هر یک از کارگزاران فعالیت های اقتصادی شامل خانوارها، بنگاه ها، دولت و خارجیان نقشی را در آن ایفا می نمایند. همچنین برخی فضای کسب و کار را به عنوان ارتباط دهنده فضای خرد و کلان اقتصادی عنوان می نمایند.

در روند شکل گیری نظریات بهبود فضای کسب و کار دو نگاه وجود دارد که اولی موضوع رشد تولید و انباشت سرمایه را مورد توجه قرار داده و به عوامل محیطی بنگاه توجه نموده اند. در این خصوص مکتب سنتی آلمان-اتریش (۱۹۵۵-۱۹۳۳) که توسط تانن و شومپیتر^۲ گرفت، با بیان عدم وجود بازارهای کامل وارد مسائل محیطی بنگاه ها گردیدند. آنان نقش کارآفرینان و عوامل محیطی کسب و کار را در توسعه اقتصادی با

به این موضوع که مناطق داخل هر کشور نیز به لحاظ برخورداری از امکانات و زیر ساخت های نهادی، فناوری و حقوقی متفاوت از هم بوده و در مراحل مختلفی از رشد و صنعتی شدن قرار دارند، توجه نشده است. در واقع هر کشوری علیرغم اینکه مناطق مختلف آن از قوانین و مقررات و فرآیندهای واحدی در مراحل مختلف کسب و کار تبعیت می کنند، لیکن مناطق مذکور به لحاظ صنعتی بودن و میزان فناوری در سطح یکسانی نمی باشند و پرداختن به ابعاد مهم کسب و کار برای کل کشور و ارائه راهبرد کلی برای همه مناطق کشور منطقی نخواهد بود. براین اساس در این مطالعه تلاش شده است اولاً اهمیت ابعاد فضای کسب و کار در ایران براساس شاخص هایی که متناسب با فضای کسب و کار کشور طراحی شدند، بررسی شوند، ثانیاً مراحل رشد و صنعتی شدن استان های کشور مورد توجه قرار گیرند. در این میان مجموعه قابل توجهی از ادبیات نشان می دهد که بخش صنعت، نقش استراتژیکی در توسعه اقتصادی، نوآوری و اشاعه فناوری، ایجاد فرصت های شغلی و همچنین تأثیرات مثبت دیگری در سرریز دارد. براین اساس عوامل مؤثر بر عملکرد فضای کسب و کار در مراحل مختلف توسعه صنعتی و طراحی سیاست های متفاوت مهم خواهد بود (ابدو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

با عنایت به موارد فوق، در این مطالعه، عوامل مؤثر بر فضای کسب و کار براساس دیدگاه های مختلف مورد تحلیل قرار می گیرد و پس از احصاء، معرفی و سنجش عوامل مذکور، با عنایت به شرایط متفاوت حاکم بر مناطق مختلف در ایران، اهمیت هر یک از عوامل در بهبود فضای استان های کشور به تفکیک استان های صنعتی، نیمه صنعتی و سنتی برآورد می شود و به این ترتیب راهبردهای بهبود فضای کسب و کار در استان های کشور بر حسب مراحل توسعه صنعتی آنها مورد بررسی قرار می گیرد.

با عنایت به موارد فوق، در بخش بعدی این مطالعه ادبیات فضای کسب و کار در خصوص عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار می گیرد. سپس با سنجش مولفه های مؤثر بر فضای کسب و کار به تفکیک استانهای کشور، الگویی مناسب برای تعیین اهمیت هر یک از عوامل معرفی و با استفاده از رویکرد داده های پانلی،

² Tanen and Schumpeter

¹ Abdu

اقتصادی (خانوارها، سرمایه گذاران و دولت) تمرکز دارند و برای بهبود فضای کسب و کار، نقش فعالان اقتصادی را در فضای کسب و کار مورد توجه قرار می‌دهند. در این میان برخی از محققین تلاش می‌کنند نگاه جامع تری نسبت به موضوع داشته باشند و به همین منظور قبل از آنکه متغیرها را مورد توجه قرار دهند، به طبقه بندی متغیرهای مذکور می‌پردازند. همچنین دسته‌ای از مطالعات نیز بدون توجه به جامعیت موضوع، عوامل محوری موثر بر فضای کسب و کار را مورد توجه قرار داده و سعی می‌کنند عوامل مذکور را کمی نمایند تا بتوانند فضای کسب و کار را مورد ارزیابی قرار دهند. در نهایت برخی محققین نیز به موانع کسب و کار پرداخته و از این طریق سعی در ارائه راهکارهایی برای بهبود فضای کسب و کار هستند. در این قسمت سعی می‌شود مطالعاتی را که رویکردهای فوق را در خصوص فضای کسب و کار مد نظر قرار داده اند، به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

گروه اول: براساس دیدگاه این گروه پرداختن به ابعاد مختلف فضای کسب و کار مستلزم توجه به فرآیند و نحوه شکل‌گیری و گسترش کسب و کار در جوامع است. به این ترتیب هر کسب و کار از زمان شکل‌گیری تا انحلال کامل مراحل را طی می‌کند و در هر مرحله بر اساس قوانین و مقررات موجود برای شروع و تداوم فعالیت خود متحمل هزینه های گوناگون و صرف زمان می‌شود. بدیهی است هر چه این مراحل مشکل تر، پیچیده تر و پرهزینه تر باشند، انگیزه افراد و اشخاص حقیقی و حقوقی برای انجام و گسترش فعالیتها کمتر می‌گردد. از مهمترین دیدگاه هایی که براساس این رویکرد به بررسی فضای کسب و کار پرداخته است، می‌توان به نظرات ارائه شده در گزارش بانک جهانی اشاره نمود. گزارش بانک جهانی محیط یا فضای کسب و کار را با استناد به ده مولفه کمی که در واقع ده مرحله از عمر یک کسب و کار از زمان شکل‌گیری تا انحلال آن را در بر می‌گیرد، فضای کسب و کار را قضاوت می‌کند. ده مولفه مذکور در قالب شاخص سهولت فضای کسب و کار^۲ معرفی شده است. البته پس از معرفی شاخص سهولت کسب و کار، مطالعات مختلفی در جهت اصلاح و تایید آن صورت گرفت که از آن جمله می‌توان به

تأکید ویژه مورد توجه قرار داده اند. نگاه دوم به نظریات مکاتبی اشاره دارد که به ساماندهی موانع محیطی رونق فعالیت‌های اقتصادی بینگاه‌ها تأکید نموده و راهکارهای بهبود فضای کسب و کار را مطرح نموده اند. در این زمینه نهادگرایی (۷۵-۱۹۳۷) از اولین مکاتبی هستند که از نگاه سازمانی و نهادی به بررسی محیط فعالیت اقتصادی یک بنگاه پرداختند. آنان معتقدند اقتصاد باید به عنوان یک سازمان و مجموعه واحد، تمامی اجزای آن با یکدیگر در ارتباط و تعامل بوده و نقش سازمان‌ها و نهادها در زندگی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد (مکیان و همکاران، ۱۳۹۲، ۷۸).

در این میان نظریه عمومی کارآفرینی شین (۲۰۰۳) برای تشریح فضای کسب و کار دو مجموعه عوامل محیطی معین: محیط اقتصادی و محیط نهادی را تفکیک می‌نماید. عوامل اقتصادی شامل محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، ساختار تولید و محیط جغرافیایی و عوامل محیط نهادی شامل محیط سیاسی، محیط حقوقی، محیط فرهنگی و محیط آموزشی، علمی و محیط فناوری و نوآوری و ساختار دولت می‌شود. این دو مجموعه عوامل بر کسبو کارهای موجود و بفرآیند کارآفرینی که در واقع نقطه آغازین کسب و کار است، اثر می‌گذارد. هرچه محیط کسب و کار (محیط نهادی و اقتصادی) شرایط بهتری داشته باشد، بهبه برداری از فرصت‌های کارآفرینی بیشتر است و هر چه بهره برداری از فرصت‌های کارآفرینی در جامعه‌ای بیشتر باشد، عملکرد اقتصاد آن کشور و خلق ارزش و ثروت در آن جامعه بیشتر می‌شود (شین، ۲۰۰۳).

پیشینه تحقیق

بررسی و مرور ادبیات فضای کسب و کار نشان می‌دهد که مطالعات انجام شده در خصوص ابعاد مختلف و عوامل موثر بر محیط کسب و کار از تنوع زیادی برخوردار بوده و رویکردهای مختلفی را دنبال می‌کنند. اولین مطالعات با تأکید بر ماهیت فعالیت‌های اقتصادی و نحوه شکل‌گیری و ادامه آنها، عوامل محیطی موثر بر فعالیت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند. در حالی که برخی مطالعات به بازیگران کسب و کار و در واقع فعالان

² - Ease of Doing Business

¹ Shane

مطالعات برگ و گازس(۲۰۰۷)، لی^۲ و همکاران(۲۰۰۸)، دریمر و پرچت(۲۰۱۰) اشاره نمود. به عنوان مثال دریمر و پرچت نشان دادند که در فضای کسب و کار زمان عامل مهم و تأثیرگذار می باشد که این موضوع تحت تأثیر اصلاحات سیاستی صورت گرفته در هر کشور است.

گروه دوم: همانطور که اشاره شد، برخی مطالعات، با توجه به نقش بازیگران اقتصاد (خانوارها، سرمایه گذاران و دولت) به بررسی ابعاد فضای کسب و کار پرداختند و در این میان نقش دولت را بیشتر مورد تأکید قرار دادند که از آن جمله می توان به مطالعه شیرکوند(۱۳۹۰)، دهقانی(۱۳۹۶) و محمدی خیاره و رستمی(۱۳۹۸) اشاره نمود. دهقانی و همکاران(۱۳۹۶) عوامل موثر بر فضای کسب و کار را با استفاده از فرآیند تحلیلی سلسله مراتبی(AHP) به سه دسته: ۱- جایگاه نقش سیاستها و برنامه- ریزی های دولت ۲- نهادهای اقتصادی و ساز و کارهای رسمی و غیررسمی حاکم بر آنها ۳- نظام حقوقی و قضایی عمده تقسیم نمودند و در ادامه با استفاده از ۵۱ زیرشاخص به اولویت بندی ابعاد مهم کسب و کار در استان کردستان پرداختند. همچنین محمدی خیاره و رستمی با بررسی و اولویت بندی عوامل موثر بر فضای کسب و کار در استان گلستان، کاهش اندازه دولت و افزایش ضمانت های اجرایی قوانین و مقررات را در بهبود فضای کسب و کار موثر می دانند. شیرکوند(۱۳۹۰) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر فضای کسب و کار ایران اعلام می دارد محیط کسب و کار فضایی است که هریک از کارگزاران فعالیت های اقتصادی شامل: خانوارها، بنگاهها، دولت و خارجیان، نقش خود را در آن ایفا می کنند. درخصوص نقش و اهمیت وظایف دولت در این پژوهش بیان شده است که دولت از مسیرهای مختلف بر فعالیت های اقتصادی اثرگذار است، به نحوی که سیاست های کلان اقتصادی دولت می تواند به شکل- گیری یک نظام اقتصادی سالم، شکوفا، شفاف و توانمند منجر شود و یا به گسترش اقتصاد زیرزمینی و فساد و در نتیجه یک اقتصاد ضعیف و ناکارآمد بیانجامد. در خصوص نقش دولت در

فضای کسب و کار در گزارش توسعه جهانی(۲۰۰۵) نیز آمده است که دولت ها نقش مهمی در حمایت از حقوق مالکیت، فراهم کردن زیرساختها، عملکرد بازارهای پولی، مالی و نیروی انسانی، نظارت بر فعالیت های اقتصادی و کنترل فساد دارند. کمک بنگاهها به اقتصاد نیز تحت تأثیر فضای آزاد، رقابتی و شفاف سرمایه گذاری است که دولت در شکل گیری و بهبود آن نقش عمده ای دارد. همچنین مطالعه کینتی بنس و هوم فری ابن^۴(۲۰۲۳) در خصوص فضای کسب و کار نشان می دهد که دولت نقش نظارتی مهمی در محیط کسب و کار بخش های اقتصاد ایفا می کند، آنها بیان می کنند متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ بهره و تورم بالا، تروریسم، فرهنگ، مذهب، بی ثباتی نرخ ارز، آسیب پذیری اقتصاد در برابر شوک های خارجی، هزینه های انجام کسب و کار را افزایش داده و در نتیجه، تهدیدهای جدی برای عملکرد شرکتها ایجاد می نمایند و دولت ها می توانند در موارد ذکر شده، نقش مدیریتی به سزایی را ایفاء نمایند.

گروه سوم: در حالی که در مطالعات فوق به نقش بازیگران اقتصادی در فضای کسب و کار تأکید شده است، برخی به عنوان مثال مطالعات مرادی(۱۳۹۴)، منوچهر افشار(۱۳۹۲) و فرناندو^۷(۲۰۱۱)، عوامل موثر بر فضای کسب و کار را به عوامل محیط درونی و بیرونی تقسیم می کنند که محیط بیرونی خود شامل فضای خرد، کلان و بین المللی است. عوامل موثر ذکر شده در این دیدگاه به اختصار در قالب چهار گروه به صورت زیر قابل بیان است.

- محیط درون کسب و کار به فعالیت های درون سازمان، ساختار قانونی و سازمانی کسب و کار، فرهنگ سازمانی، روش های رشد کسب و کارها و نظریه های سازمان و مدیریت پرداخته است. محیط داخلی یک کسب و کار شامل مولفه- های: تولید و عملیات (فرآیند، ظرفیت، موجودی کالا،

۵ - محمدعلی مرادی(۱۳۹۴)، کتاب "محیط کسب و کار، نظریه

ها، شاخص ها و تکنیک ها"

۶ - منوچهر افشار، "نقش دولت در محیط کسب و کار"، (۱۳۹۲)

۷ - Fernando

1 - Berg & Cazes

2 - Lee

3 - Driemeier & Pritchett

4 - Kiyentei Benneth & Humphrey Obinn

گروه چهارم: همچنین برخی، عوامل موثر بر کسب و کار را بر حسب درون زا و برونزا بودن آنها، مورد مطالعه قرار می دهند. به عنوان مثال امینی (۱۳۹۵) عوامل موثر بر فضای کسب و کار را به دو مجموعه از عوامل بصورت الف-عوامل برون زا و بین المللی (شامل عوامل سیاسی و اقتصادی متاثر از جریان های سیاسی و نوسانات قیمت نفت و ارتباط با شرکای تجاری ایران علی الخصوص چین و سایر پیوندهای بین المللی است) ب- عوامل درون زا و داخلی (عوامل نهادی و اقتصاد داخلی همچون عدم احترام به کرامت، منزلت و اصالت فردی و حقوق مالکیت های شخصی و احترام به آنها و فقدان حاکمیت قانون و ... می باشد) تقسیم می نماید. همچنین هولمان و مارجیس (۲۰۲۱)، عوامل موثر بر کسب و کار را به عوامل مستقیم (از جمله ساختار بازار و رقبا) و غیر مستقیم (عوامل فرهنگی، تکنولوژی و ..) و عوامل کلان اقتصادی (نرخ ارز، نرخ بهره و ..) تقسیم می نمایند.

گروه پنجم: علاوه بر موارد فوق، برخی مطالعات نیز هستند که بدون توجه به تقسیم بندی، به عوامل محوری موثر بر کسب و کار تاکید نموده و برای سنجش آن شروع به ساختن زیر شاخص های مرتبط می نمایند که از آن جمله می توان به مطالعات انجام شده توسط درسکی و همکاران (۲۰۲۰)، بافنده زنده و همکاران (۱۴۰۰) و همچنین بررسی هایی که برای استان کرمان و مطالعه ای که برای موانع امنیت سرمایه گذاری توسط پژوهش های مجلس انجام شده است، اشاره نمود. در مطالعه درسکی و همکاران (۲۰۲۰) که برای ۲۵۸ شرکت در جمهوری چکسلواکی صورت گرفته، محیط اقتصاد کلان و وجود نهادهای حمایتی را برای بهبود فضای کسب و کار ضروری می دانند. بافنده زنده و همکاران نیز با بررسی عوامل موثر بر بهبود فضای کسب و کار داخلی و نقش آن در موفقیت ایران در تجارت بین المللی، عوامل توانمند سازی بخش خصوصی و آزادی اقتصادی، کارایی بازارهای پولی و مالی، پالایش قوانین و مقررات و ایجاد شفافیت، کارایی سیاست های حمایتی و ساختار دولت، بهبود فرآیند ها را در بهبود فضای کسب و کار موثر می دانند. همچنین وضعیت فضای کسب و کار استان کرمان در سال ۱۳۹۱ توسط مرکز

نیروی کار و ...) تحقیق و توسعه، مدیریت (ایجاد انگیزه، برنامه ریزی و ...) می باشد.

- محیط خرد کسب و کار، به بیان نظام بازار، ساختار بازار و صنعت می پردازد. در واقع محیط خرد کسب و کار شامل مولفه های از قبیل ساختار و اندازه بنگاه، ساختار بازار، نهاد-های مالی و ... می باشد.
 - محیط کلان کسب و کار شامل زیربخش های فضای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، قانونی و نهادی، فناوری و نوآوری می باشد. محیط کلان اقتصادی شامل مولفه هایی همانند نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، نرخ بهره و ... همچنین محیط اجتماعی شامل مولفه هایی همانند طبقات اجتماعی، شیوه زندگی، ...، محیط سیاسی شامل مولفه هایی همانند سیاست های دولت و محیط فناوری شامل مولفه هایی همانند بلوغ تکنولوژی، توسعه تکنولوژی-های رقیب، بلوغ و ظرفیت تولید و ... و در نهایت محیط قانونی و نهادی شامل قوانین و نهادهای رسمی و غیر رسمی می باشد. در این ارتباط اسولان و کالکیس (۲۰۲۳) به پیروی از کمپل و کرایچ (۲۰۰۵) ضمن تاکید بر محیط کلان فضای کسب و کار بیان می کنند که محیط کسب و کار شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، حقوقی و زیست محیطی است.
 - محیط بین الملل به نیروها و عوامل بین المللی، جهانی شدن و بین المللی شدن کسب و کارها و نهادهای بین المللی می-پردازد.
- از جمله مطالعاتی که به طبقه بندی محیط کسب و کار به شرح فوق می پردازد، مطالعه ارنر^۱ و همکاران (۲۰۲۳) می باشد که عوامل محیطی مرتبط با کسب و کار مدیریت شرکتهای کوچک و متوسط را به عوامل داخلی و خارجی تقسیم می نماید، ارنر و همکاران با مطالعه میدانی و جمع آوری اطلاعات از شرکت های کوچک و متوسط، عوامل موثر بر مدیریت شرکت ها را تحت تاثیر پنج عامل داخلی و شش عامل خارجی تعریف نموده و در ادامه با روش تحلیل عاملی اهمیت عوامل مذکور را بر عملکرد مدیریت شرکت ها مورد بررسی قرار می دهند.

4 - Hulleman and Marijs

5 - Dvorsky

1 - Svilane & Kalkis

2 - Campbe & Craig

3 - Werner

رقابت‌پذیری و مشتری، حوزه فرآیندهای داخلی، حوزه رشد و یادگیری به ارزیابی فضای کسب و کار پرداخته است. بررسی آسیب‌های فضای کسب و کار و سرمایه‌گذاری نیز، مطالعه‌ای است که توسط نگین فلاح حقیقی و همکارانش در سال ۱۳۹۶ تحت عنوان، واکاوی آسیب‌های فضای کسب و کار در استان یزد انجام گرفته و در نهایت ۷۱ آسیب و مانع، شناسایی و معرفی گردیده است.

تحلیل رویکرد ها و بیان ویژگی الگوی مناسب

بررسی دیدگاه ها و دقت نظر در مطالعات فوق و بررسی نوع نگاه و تحلیل آنها به فضای کسب و کار و همچنین تامل در مفهوم و مبانی فضای کسب و کار، چارچوب جامعی را مورد توجه قرار می دهد که می‌تواند به عنوان مدل کیفی در این مطالعه مورد استفاده قرار گیرد. به همین منظور در این قسمت به تحلیل مبانی نظری و مطالعات فوق که در گروه‌های مختلف طبقه بندی گردید، پرداخته می‌شود.

براساس مطالب ارائه شده در مبانی نظری، در مطالعه فضای کسب و کار لازم است بازیگران اقتصادی، کارآفرینان و عوامل محیطی که خود به دو گروه محیط اقتصادی و نهادی قابل تقسیم است، و مراحل شکل گیری و ادامه فعالیت مد نظر قرار گیرد. براین اساس مطالعات انجام شده که در قسمت قبل، در شش گروه مورد بررسی قرار گرفت، با تاکید بر محیط نهادی و اقتصادی و در برخی موارد با تاکید بر بازیگران اقتصادی به تحلیل عوامل موثر بر فضای کسب و کار پرداختند. در گروه اول با تاکید بر محیط فعالیت بنگاه ها، به عوامل موثر در مراحل شکل گیری فعالیت ها، توسعه و در نهایت انحلال آنها توجه شده بود، اما مطالعات گروه دوم با تاکید بر فعالان اقتصادی در یک الگوی کلان اقتصادی بسته (خانوارها، بنگاه ها و دولت) به تحلیل موضوع پرداخته است. در این میان ویژگی مطالعات گروه سوم بررسی محیط کسب و کار به تفکیک محیط درونی و بیرونی با تاکید بر عوامل موثر بین المللی بر عملکرد بنگاه ها است. این در حالی است که مطالعات گروه چهارم با تاکید بر دورن زا و برونزا بودن عوامل موثر بر فضای کسب و کار، متغیر های بین المللی را به عنوان عوامل برونزا مد نظر قرار می دهند. مطالعات

تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی استان کرمان مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است و ۱۱ شاخص برای سنجش محیط کسب و کار و فضای سرمایه‌گذاری استخراج شده است که این شاخص‌ها عبارتند از: ۱- فساد، ۲- امنیت اجتماعی، ۳- تامین مالی، ۴- جنسیت، ۵- گستردگی اقتصاد غیررسمی، ۶- زیرساخت‌ها، ۷- شرکت‌های پیشرو، ۸- مجوزهای کسب و کار، ۹- مقررات و مالیات، ۱۰- تجارت، ۱۱- نیروی کار. محققین برای هریک از این شاخص‌ها، زیرشاخص‌هایی تعریف می‌نمایند. همچنین دفتر مطالعات اقتصادی معاونت پژوهش‌های مجلس در تحقیقی با عنوان پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری (زمستان ۹۷)، نماگرهای امنیت سرمایه‌گذاری را در مجموعه‌ای شامل: تعریف و تضمین حقوق مالکیت، ثبات اقتصاد کلان، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی، شفافیت و سلامت اداری، فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی، مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض و عملکرد دولت تعریف نموده است.

گروه ششم: در نهایت برخی از مطالعات نیز همچون مطالعه فلاح و همکاران (۱۳۹۶)، احمد میدری و همکاران (۱۳۹۲) میثم جعفری اسکندری (۱۳۸۹)، به بررسی و ارزیابی موانع انجام کسب و کار در ایران که منجر به فضای ناکارآمد و نامناسب می‌شود، پرداخته‌اند. در مطالعه احمد میدری بیان شده است که از اصلی ترین مشکلات و چالش‌های پیش روی بخش خصوصی در ایران دو مانع داخلی و خارجی است. وجود دولتی بزرگ که در بسیاری از حیطه‌های فعالیت اقتصادی، مداخله یا فعالیت می‌نماید، مهم-ترین عامل بازدارنده داخلی برای بخش خصوصی بوده است. عامل منفی خارجی نیز وجود بخش خصوصی پرتوان در کشورهای صنعتی است که بخش خصوصی داخلی از قدرت رقابت‌پذیری محدودی با آنها برخوردار است. در ادامه میدری و همکاران با تعریف موارد: ثبات اقتصاد کلان، کسب اعتبار، سهولت پرداخت مالیات، دسترسی به زیرساخت‌ها، کیفیت دستگاه قضایی، کیفیت دستگاه اجرایی، کیفیت روابط کار و تامین اجتماعی، دسترسی به بازار، اقتصاد غیررسمی، به ارزیابی موانع کسب و کار در استان زنجان پرداختند. همچنین در مطالعه جعفری (۱۳۸۹) نیز با استخراج و معرفی موانع و مشکلات اصلی موجود جهت توسعه بخش خصوصی در چهار حوزه مالی، حوزه

ابعاد کلی کسب و کار مورد بحث قرار گیرد، سپس به محورهای اساسی تعیین کننده کسب و کار پرداخته شود و در نهایت متغیرهایی که بتواند محورهای مذکور را بسنجد، مورد بررسی قرار گیرند.

براساس مبانی نظری که در قسمت قبل بیان شد برای بررسی عوامل موثر بر فضای کسب و کار و تعیین اهمیت ابعاد مختلف آن سعی شد که ضمن توجه به جامعیت مطالعات گروه سوم و چهارم به ابعاد مهم فضای کسب و کار همانند مطالعات گروه پنجم و همچنین به مسائل فضای کسب و کار جامعه همانند مطالعات گروه ششم توجه داشته باشد. براین اساس پنج محور اصلی که ناظر به محیط های مختلف کسب و کار می باشد برای بررسی عوامل موثر بر فضای کسب و کار در این مطالعه مد نظر قرار گرفت که عبارتند از ۱- محور مربوط به اقتصادی ۲- محور زیر ساخت ها ۳- محور نهادی ۴- محور حقوقی ۵- محور اجرایی

در محورهای فوق، دو محور اول (عوامل اقتصادی و زیر ساخت ها) ناظر بر محیط اقتصادی کسب و کار است و محورهای نهادی و حقوقی ناظر بر محیط نهادی است. همچنین محور اجرایی شامل متغیرهای است که مرتبط با مسائل خاص فضای کسب و کار می باشد و به این ترتیب سعی شده عوامل موثر بر فضای کسب و کار که در مطالعات مختلف مورد تاکید قرار گرفته، از جنبه های مختلف مورد توجه قرار گیرد. به منظور سنجش محورهای فوق لازم است مولفه های کمی مد نظر قرار گیرد که بتواند مسائل و مشکلات فضای کسب و کار را در استانهای کشور مورد سنجش قرار دهد. در این خصوص از گزارش های فصلی پایش محیط کسب و کار ایران که برای اولین بار در تابستان ۱۳۸۹ انجام شده و سپس به طور مستمر با همکاری تشکلهای اقتصادی سراسر کشور توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی تهیه و منتشر می شود، استفاده می شود. اجرای طرح ملی پایش محیط کسب و کار از اواخر سال ۱۳۹۵ طبق مصوبه ی ۱۳۹۰/۱۲/۲۷ مجلس با همکاری اتاق های تعاون و اصناف ایران در دستور کار اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران قرار گرفته و به تفکیک استان ها در فصول مختلف سال انجام می پذیرد. ارزیابی پنج محور ذکر شده در طرح مذکور براساس مولفه هایی به شرح زیر صورت می گیرد.

گروه پنجم بدون توجه به تقسیم بندی محیط های کسب و کار، به صورت موضوعی به مسئله نگاه نموده و بر عوامل محوری موثر بر کسب و کار تاکید نموده و در آنها به عوامل اقتصادی، اجتماعی، نهادی و سیاسی و فرهنگی توجه شده است. این گروه از مطالعات علیرغم اینکه به صورت جامع به موضوع فضای کسب و کار توجه دارند اما به دلیل کثرت متغیرها و جنبه های متعددی که در این مطالعات مورد توجه قرار گرفته، می تواند مورد نقد قرار گیرد، چرا که تعداد زیاد متغیرها و تنوع حوزه های مورد توجه در یک مطالعه، لزوما نمی تواند مفید واقع شود و چه بسا سیاستگذار را از توجه به ابعاد مهم موضوع بازدارد. این اشکال در خصوص مطالعاتی که در گروه ششم قرار داشتند و در آنها محققین تلاش نمودند ابعاد مهم فضای کسب و کار را مورد توجه قرار دهند، کمتر مورد سوال قرار می گیرد. البته این مطلب زمانی منطقی خواهد بود که جامعیت مطالعات گروه پنجم در مطالعات گروه ششم مورد توجه قرار گیرد. به عبارتی ابعاد لحاظ شده در مطالعات گروه ششم به عنوان ابعاد مهم فضای کسب و کار از تحلیل مطالعات گروه پنجم حاصل شده باشد. همچنین مزیت مطالعات گروه ششم نسبت به مطالعات بقیه گروه ها این است که در مطالعات مذکور به مسائل خاص فضای کسب و کار جامعه مورد مطالعه توجه شده است.

با بررسی و دقت نظر در مبانی نظری و مطالعات فوق، در مطالعه حاضر برای بررسی عوامل موثر بر فضای کسب و کار سعی شد ماهیت متغیرها با عنایت به محیط های اقتصادی و نهادی و با عنایت به فعالین اقتصادی مد نظر قرار گیرد و در این خصوص ضمن توجه به دیدگاه مطالعات سوم و چهارم در خصوص مدنظر قرار دادن متغیرهای کسب و کار به تفکیک نوع محیط، به محورهای اساسی فضای کسب و کار همانند مطالعات گروه پنجم تاکید و به مسائل خاص فضای کسب و کار جامعه همانند مطالعات گروه ششم توجه گردید. براین اساس در بخش بعدی به ارائه الگوی عوامل موثر بر کسب و کار پرداخته می شود.

۳- روش تحقیق

مرور دیدگاه محققین در خصوص عوامل موثر بر فضای کسب و کار و نوع نگاه آنها به فضای کسب و کار حاکی از آن است که برای بررسی جامع عوامل موثر بر کسب و کار لازم است ابتدا

دریافت مالیات) و ins_7 (تولید وعرضه نسبتا آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار)

۳-۱ - معرفی الگوی تحقیق

در قسمت قبل ابعاد مختلف کسب و کار براساس دیدگاه های مختلف مورد توجه قرار گرفت. در این قسمت نیازمند الگویی هستیم که بتواند اهمیت هر یک از ابعاد کسب و کار را در استان ها نشان دهد. به همین منظور در این مطالعه از الگوی زیر استفاده می شود.

$$BE_{it} = F (Ec_{it}, Inf_{it}, Ins_{it}, Lit, Ex_{it}) \quad (1)$$

در الگوی (۱)، BE: رتبه فضای کسب و کار استان ها، EC: مجموعه عوامل اقتصادی، Inf: مجموعه عوامل زیربنایی، Ins: مجموعه عوامل نهادی، L: مجموعه عوامل حقوقی و EX: مجموعه عامل اجرایی می باشد. i به استان ها و t به فصول سال طی سال های مورد بررسی دلالت دارد.

چنانچه در قسمت قبل اشاره شد برای سنجش هر کدام از محورهای فضای کسب و کار چندین زیر شاخص وجود دارد و همین امر موجب می شود تعداد متغیرها در مدل (۱) زیاد شود و موجب بروز مشکل هم خطی گردد. لذا از رویکرد تحلیل مؤلفه های اصلی به منظور کاهش تعداد متغیرها و معرفی نماینده برای هر کدام از محورها استفاده می شود. به این ترتیب زیر شاخص های هر کدام از محورها ترکیب شده و در نهایت یک شاخص برای هر محور معرفی می شود.

هدف از به کارگیری رویکردهای مؤلفه های اصلی در این مطالعه، کاهش ابعاد متغیرها در زیر شاخص های محورها کسب و کار است. در این روش براساس همبستگی بین متغیرها و عوامل اصلی به شرح زیر تعریف می شود.

$$PCC_1 = a_1 * TWA + a_2 * BE + a_3 * CR$$

$$PCC_2 = b_1 * TWA + b_2 * BE + b_3 * CR$$

اولین محور شامل عوامل اقتصادی^۱ است. زیرشاخص عوامل اقتصادی عبارتند از: EC_1 (غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات)، EC_2 (ضعف نظام توزیع و مشکل در رساندن محصول به بازار)، EC_3 (عرضه کالاها و محصولات قاچاق در بازار ایران)، EC_4 (وجود رقابت غیرمنصفانه شرکتها و موسسات دولتی یا شبه دولتی در بازار)، EC_5 (دشواری تامین مالی از بانکها)

دومین محور عوامل زیر بنایی^۲ است. زیرشاخص عوامل زیربنایی شامل inf_1 (ضعف زیرساخت های حمل و نقل(جاده-ای،ریلی،هوایی،دریایی و بندری)، inf_2 (محدودیت دسترسی به حامل های انرژی (برق، گاز، گازوئیل و...))، inf_3 (کمبود فناوری-های نوین و تجهیزات مورد نیاز) و inf_4 (کمبود نیروی کار ماهر) می باشد.

سومین محور عوامل حقوقی^۳ است. زیرشاخص عوامل حقوقی شامل L_1 (بی تعهدی طرف های قرارداد و معامله به اجرای تعهدات و وعده هایشان) و L_2 (ضعف دادگاهها در رسیدگی به شکایات و پیگرد موثر متجاوزان به حقوق دیگران) می باشند.

چهارمین محور عوامل اجرایی^۴ است. شاخص عوامل اجرایی EX (رویه های سختگیرانه اداره های کار و بیمه تامین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی) می باشد.

پنجمین محور عوامل نهادی^۵ است. زیرشاخص عوامل نهادی عبارتند از: ins_1 (کارگری عمومی وضع فرهنگ کار در جامعه)، ins_2 (تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی رغبتی به خرید محصولات ایرانی)، ins_3 (بی ثباتی سیاست ها، قوانین ومقررات و رویه های اجرایی ناظر به کسب و کار)، ins_4 (فساد و سوء استفاده افراد از مقام وموقعیت اداری در دستگاه های اجرایی)، ins_5 (دخالت های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت ها در بازار)، ins_6 (رویه های ناعادلانه ممیزی و

4Executive Factors

5Institutional Factors

6 - Principal Components Analysis

1Economic Factors

2Infrastructure Factors

3Legal Factors

استان های صنعتی: تهران - اصفهان - خوزستان - بوشهر - آذربایجان شرقی - مرکزی - البرز - خراسان رضوی - کرمان - یزد.

استان های نیمه صنعتی: قزوین - فارس - هرمزگان - مازندران - زنجان - گیلان - آذربایجان غربی - سمنان - همدان - قم.

استان های غیرصنعتی: سیستان و بلوچستان، کرمانشاه، اردبیل، گلستان، لرستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی، کردستان، خراسان جنوبی و ایلام.

۴- برآورد مدل و تحلیل یافته ها

قبل از برآورد الگوی داده های ترکیبی، لازم است آزمون مانایی متغیرها انجام شود. اما قبل از انجام آزمون مانایی داده های ترکیبی، باید آزمون وابستگی بین مقاطع به منظور انتخاب آزمون ریشه واحد مناسب انجام شود. آزمون های مختلفی جهت بررسی مانایی متغیرهای داده های ترکیبی وجود دارد که انتخاب آزمون مناسب از بین آن ها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است (بالتاجی، ۲۰۰۵). به منظور بررسی وابستگی

بین مقاطع از آزمون وابستگی بین مقاطع پسران استفاده شده است. در صورت تایید وابستگی در داده های ترکیبی، استفاده از روش های مرسوم ریشه واحد داده های ترکیبی نظیر آزمون لوین، لین و چو^۳ ایم، پسران و شین^۴ احتمال وقوع نتایج ریشه واحد کاذب را افزایش خواهد داد. برای رفع این مشکل آزمون های ریشه واحد داده های ترکیبی متعددی با وجود وابستگی مقطعی پیشنهاد شده است که آزمون ریشه واحد پسران (CIPS) از آن جمله است. نتایج آزمون وابستگی مقطعی ایم، پسران و شین برای داده های مورد مطالعه در جدول (۱) ارائه شده است. همانطور که نتایج نشان

$$PCC_3 = c_1 * TWA + c_2 * BE + c_3 * CR$$

در رابطه فوق، بردار PCC_i شامل سه مؤلفه اصلی است که از ترکیب خطی سه متغیر حاصل می شود. در اولین معادله هر گاه $\sum a_i^2 = 1$ به شرط PCC_1 واریانس PCC_2 با استفاده از ترکیب خطی حداکثر شود. به همین ترتیب PCC_1 بوده و دارای دیگری از b ها حاصل می شود که عمود بر PCC_1 است. واریانس و قدرت توضیح دهندگی کمتری نسبت به PCC_1 است. به منظور کاهش ابعاد متغیرها در این مطالعه از اولین مؤلفه اصلی استفاده می شود که بیشترین تغییرات سه متغیر را توضیح می دهد.

۳-۲- طبقه بندی استان ها

همانطور که بیان شد درجه اهمیت ابعاد کسب و کار در جوامع مختلف، متفاوت بوده و بستگی به مراحل توسعه و میزان صنعتی بودن آنها بستگی دارد. بر این اساس در این مطالعه سعی می شود اهمیت هر یک از ابعاد کسب و کار استان ها، بر حسب میزان صنعتی بودن آنها مورد بررسی قرار گیرد. در این مطالعه تقسیم بندی استان ها به سطوح مختلف صنعتی با استفاده از شاخص نسبت مکان ارزش افزوده صنعتی انجام شده است. شاخص مذکور در بسیاری از مطالعات از جمله مطالعه آقا محمدی^۱ و همکاران (۱۳۹۹) و دهقان و نصرالهی (۱۴۰۱) برای رتبه بندی استان ها جهت وجود مزیت نسبی در بخش های اقتصادی مورد استفاده قرار می گیرد. این شاخص از تقسیم (نسبت ارزش افزوده صنعتی هر استان به ارزش افزوده کل استان) به (نسبت ارزش افزوده صنعتی کشور به ارزش افزوده کل کشور) بدست آمده است و به این ترتیب استان ها به سه گروه صنعتی، نیمه صنعتی و غیرصنعتی (ستی) به شرح زیر طبقه بندی شدند.

دهقان، فرناز، نصرالهی، خدیجه (۱۴۰۱)، رتبه بندی فعالیت ها^۲ در استان یزد دانشگاه شهید بهشتی، فصلنامه اقتصاد و الگوسازی، ۱۴۵-۱۲۸، (۲)۱۳

آقا محمدی، نرکس، حاجی، غلامعلی و غفاری، هادی (۱۳۹۹)،^۱ سنجش مزیت نسبی در استان های کشور، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، (۴)۱۰

³ Levin, Lin and Chu

⁴ Im, Pesaran and Shin

I(0)	۰/۰۰۰	-۹/۸	عوامل حقوقی
I(0)	۰/۰۰۰	-۱۱	عوامل اجرایی
I(0)	۰/۰۰۰	-۷/۶	رتبه کسب و کار

ماخذ: یافته های تحقیق

برآورد الگوی (۱) با استفاده از رویکرد داده های پانلی در چهار سناریو که اولی برای کل استان ها و سه سناریو بعدی برای سه گروه از استان ها است، صورت گرفت. این سه گروه عبارتند بود از ۱- استان های صنعتی ۲- استان های نیمه صنعتی و ۳- استان های غیر صنعتی.

براساس آزمون F لیمر، هاسمن در همه سناریو ها از رویکرد داده ای پانلی با اثرات ثابت استفاده شده است. همچنین با عنایت به اینکه براساس آزمون خود همبستگی (ولدریج) و آزمون ناهمسانی واریانس (آزمون والد) مدل ها دارای خود همبستگی و ناهمسانی واریانس است از رویکرد^۳ FGLS استفاده می شود که در آن طی دو مرحله مجزا نسبت به رفع خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اقدام می شود.

در همه سناریو ها با عنایت به اینکه زیر شاخص ها و مولفه های بدست آمده از تحلیل عاملی به صورت متغیرهای استاندارد شده و ضرایب به عدد یک نرمال شده اند. لذا ضرایب برآورد شده به قدرت تاثیر هر کدام از ابعاد بر فضای کسب و کار استان ها دلالت نموده و سهم خود از تغییرات رتبه کسب و کار را نشان می دهد.

سناریو اول: برآورد الگو برای کل استان ها

به منظور تخمین داده های پانلی لازم است وجود و نوع اثرات مقاطع (ثابت و تصادفی) مورد آزمون قرار گیرد، بررسی این موارد در جدول (۳) براساس آزمون F لیمر و هاسمن، اثرات ثابت را مورد تایید قرار می دهد.

می دهد وابستگی متقابل برای همه متغیرهای مورد مطالعه مورد تایید قرار گرفته است.

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی مقطعی ایم، پسران و شین

متغیر	آمار CD پسران	ارزش احتمال	نتیجه
عوامل اقتصادی	۳۰/۴۸	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
عوامل زیربنایی	۱۶/۱	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
عوامل نهادی	۳۱/۶	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
عوامل حقوقی	۲۱/۶۵	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
عوامل اجرایی	۱۳/۸	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی
رتبه کسب و کار	۱۱/۶	۰/۰۰۰	وجود وابستگی مقطعی

ماخذ: یافته های تحقیق

گام بعدی در این پژوهش بررسی مانایی متغیرها است. از آنجایی که وابستگی مقطعی بین همه متغیرهای پژوهش تایید می شود، برای آزمون مانایی این متغیرها از آزمون ریشه واحد CIPS ارائه شده توسط پسرانکه در آن وابستگی مقطعی در نظر گرفته شده است، استفاده می شود. در جدول (۲) نتایج حاصل از آزمون مانایی پسران ارائه شده است براساس نتایج جدول ، همه متغیرها در سطح مانا هستند.

جدول ۲. آزمون مانایی پسران

نام متغیر	آماره آزمون	ارزش احتمال	درجه مانایی
عوامل اقتصادی	-۱۱/۵	۰/۰۰۰	I(0)
عوامل زیربنایی	-۴/۲	۰/۰۰۰	I(0)
عوامل نهادی	-۱۱/۳	۰/۰۰۰	I(0)

³ Feasible Generalized Least Squares

¹ Wooldridge

² Wald Test

نتایج سناریو اول که در آن مدل برای تمامی استان ها با استفاده از رویکرد FGLS برآورد شده، در جدول (۵) ارائه شده است. چنانچه از جدول مذکور قابل مشاهده است عوامل زیر بنایی سهم ۴۴/۱۵ درصدی در تعیین رتبه فضای کسب و کار استان ها دارد و عوامل نهادی، اقتصادی و حقوقی به ترتیب با ۲۱، ۲۰ و ۱۴ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند. همچنین عامل اجرایی معنی دار نمی باشد. این نتایج نشان می دهند استان هایی که به لحاظ امکانات زیر بنایی از جمله تاسیسات حمل و نقل و دسترسی به حامل های انرژی و برخوردار می باشند، از فضای کسب و کار مناسبتری برخوردار هستند.

جدول ۳. آزمون اثرات ثابت و تصادفی سناریوی اول

ارزش احتمال	آزمون f لیمر و هاسمن
./۰۰۰	Prob F
./۰۰۰	Prob Chi ²

ماخذ: یافته های تحقیق

علاوه بر آزمون اثرات مقاطع، لازم آزمون عدم وجود خود همبستگی و ناهمسانی واریانس انجام شود. برای بررسی خود همبستگی در داده های تابلویی، از آزمون ولدریج (۲۰۰۲) استفاده می شود که در آن جملات اخلاص از فرآیند (AR₁) تبعیت می کنند. همچنین برای انجام آزمون ناهمسانی واریانس از آماره والد استفاده گردید. نتایج آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس به شرح جدول (۴) می باشد که نشان می دهد مدل مورد مطالعه دارای خود همبستگی و ناهمسانی واریانس است، لذا برای تخمین مدل از رویکرد^۱ FGLS استفاده می شود که در آن طی دو مرحله مجزا نسبت به رفع خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس اقدام می شود.

جدول ۴. آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس برای سناریو اول

ارزش احتمال	آزمون خودهمبستگی (ولدریج) و ناهمسانی واریانس (والد)
./۰۰۰	Prob Chi ²
./۰۰۰	Prob F

ماخذ: یافته های تحقیق

¹ Feasible Generalized Least Squares

جدول ۵. نتایج تخمین مدل برای کل استان ها با رویکرد FGLS					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	ضرایب نرمال شده	آماره Z	احتمال
عوامل اقتصادی	Ec	۰/۰۶	۰,۲۰	۴	۰/۰۰۰
عوامل زیربنایی	Inf	۰/۱	۰,۴۴	۱۱	۰/۰۰۰
عوامل نهادی	Ins	۰/۰۶	۰,۲۱	۴/۷	۰/۰۰۰
عوامل حقوقی	L	۰/۰۴	۰,۱۴	۳	۰/۰۰۲
عوامل اجرایی	Ex	-۰/۰۰۱	---	-۰/۰۲	۰/۹۸۵
مقدار ثابت	C	۶/۱۵	---	۴۷	۰/۰۰۰
آماره والد: ۸۲۶/۹۶			سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		

ماخذ: یافته های تحقیق

سناریو دوم: برآورد الگو برای استان های صنعتی

جدول ۷. آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس برای سناریو اول

ارزش احتمال	آزمون خود همبستگی (ولدریج) و ناهمسانی واریانس (والد)
۰/۰۰۰	Prob Chi ²
۰/۰۰۰	Prob F

ماخذ: یافته های تحقیق

در جدول (۸) نتایج تخمین اثر عوامل حقوقی، زیربنایی، اقتصادی، نهادی و اجرایی بر بهبود فضای کسب و کار در استان های صنعتی با رویکرد FGLS نشان داده شده است. چنانچه از جدول (۸) قابل ملاحظه است تاثیر عوامل زیربنایی، عوامل نهادی، عوامل اجرایی و عوامل اقتصادی بر ارتقاء کسب و کار به ترتیب ۵۹، ۲۵، ۱۵ و ۱۵ درصد می باشد. همچنین عوامل حقوقی در این استان ها به عنوان موانعی برای بهبود فضای کسب و کار عمل می کنند.

همانند سناریو اول، ابتدا اثرات مقاطع (ثابت و تصادفی) مورد آزمون قرار می گیرد، براین اساس نتایج حاصل از آزمون F لیمر و هاسمن، در جدول (۶) ارائه شده که رویکرد اثرات ثابت را مورد تایید قرار می دهد.

جدول ۶. آزمون اثرات ثابت و تصادفی سناریوی اول

ارزش احتمال	آزمون f لیمر و هاسمن
۰/۰۰۰	Prob F
۰/۰۰۰	Prob Chi ²

ماخذ: یافته های تحقیق

نتایج آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس مدل نیز به شرح جدول (۷) می باشد که نشان می دهد مدل مورد مطالعه دارای خود همبستگی و ناهمسانی واریانس است، لذا برای تخمین مدل از رویکرد FGLS استفاده می شود.

جدول ۸. نتایج تخمین مدل برای استان های صنعتی با رویکرد FGLS					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	ضرایب نرمال شده	آماره Z	احتمال
عوامل اقتصادی	EcF	۰,۰۵	۰,۱۶	۲/۲۸	۰/۰۲۳
عوامل زیربنایی	InfF	۰,۲	۰,۵۹	۱۰/۶۵	۰/۰۰۰
عوامل نهادی	InsF	۰,۰۸	۰,۲۵	۴/۳۹	۰/۰۰۰
عوامل حقوقی	LF	-۰,۰۵	-۰,۱۶	-۲/۴۳	۰/۰۱۵
عوامل اجرایی	ExF	۰,۰۵	۰,۱۶	۲/۴۴	۰/۰۱۵
مقدار ثابت	C	۵,۸	-----	۴۱/۷	۰/۰۰۰
آماره والد: ۴۷۶/۷۲			سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		

ماخذ: یافته های تحقیق

جدول ۱۰. آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس برای سناریو اول

ارزش احتمال	آزمون خودهمبستگی (ولدریج) و ناهمسانی واریانس (والد)
۰/۰۰۰	Prob Chi ²
۰/۰۰۰	Prob F

ماخذ: یافته های تحقیق

در جدول (۱۱) نتایج تخمین اثر عوامل حقوقی، زیربنایی، اقتصادی، نهادی و اجرایی برای استان های نیمه صنعتی با رویکرد FGLS نشان داده شده است. براساس نتایج این جدول عوامل نهادی و اجرایی در بهبود فضای کسب و کار استان ها تاثیر معنی داری ندارند. همچنین تاثیر عوامل زیربنایی با ضریب اهمیت ۵۰ درصد در اولویت اول و عوامل حقوقی با ضریب اهمیت ۳۳ درصد در اولویت دوم و عوامل اقتصادی با ضریب اهمیت ۱۶ درصد در اولویت سوم تاثیر معنی دار بر بهبود فضای کسب و کار این استان ها دارند.

سناریو سوم: برآورد الگو برای استان های نیمه صنعتی

به منظور برآورد مدل در سناریو سوم، آزمون اثرات مقاطع براساس F لیمر و هاسمن برای داده های استان های نیمه صنعتی انجام و در جدول ۹ گزارش شده است که بر رویکرد اثرات ثابت تاکید می کند.

جدول ۹. آزمون اثرات ثابت و تصادفی سناریوی اول

ارزش احتمال	آزمون f لیمر و هاسمن
۰/۰۰۰	Prob F
۰/۰۰۰	Prob Chi ²

ماخذ: یافته های تحقیق

نتایج آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس برای سناریوی سوم نیز به شرح جدول (۱۰) می باشد که نشان می دهد مدل مورد مطالعه دارای خود همبستگی و ناهمسانی واریانس است، لذا برای تخمین مدل از رویکرد FGLS استفاده می شود.

¹ Feasible Generalized Least Squares

جدول ۱۱. نتایج تخمین مدل برای استان های نیمه صنعتی با رویکرد FGLS					
متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	ضرایب نرمال شده	آماره Z	احتمال
عوامل اقتصادی	EcF	۰,۰۶	۰,۱۶	۲/۲	۰/۰۴
عوامل زیربنایی	InfF	۰,۱۸	۰,۵۱	۷/۹	۰/۰۰۰
عوامل نهادی	InsF	۰,۰۲	--	۰/۶۳	۰/۵
عوامل حقوقی	LF	۰,۱۲	۰,۳۳	۴/۷	۰,۰۰۰
عوامل اجرایی	ExF	-۰,۰۱	--	-۰/۳۴	۰/۷
مقدار ثابت	C	۶,۲	--	۴۲/۳	۰/۰۰۰
آماره والد: ۲۵۲/۲۱			سطح معنی داری: ۰/۰۰۰		

ماخذ: یافته های تحقیق

در جدول (۱۴) نتایج تخمین اثر عوامل حقوقی، زیربنایی، اقتصادی، نهادی و اجرایی بر بهبود فضای کسب و کار در استان- های سستی (غیرصنعتی) با رویکرد FGLS ارائه شده است. براساس نتایج این جدول عوامل زیربنایی و اجرایی تاثیر معنی داری بر بهبود فضای کسب و کار ندارند. در حالی که عوامل حقوقی با ضریب اهمیت ۴۸ درصد و عوامل نهادی با ضریب اهمیت ۳۲ درصد و عوامل اقتصادی با ضریب اهمیت ۲۰ درصد بر بهبود فضای کسب و کار استان ها موثر می باشند.

سناریو چهارم: برآورد الگو برای استان های غیر صنعتی

برای تخمین داده های پانلی همانند سناریوهای قبلی، ابتدا وجود و نوع اثرات مقاطع (ثابت و تصادفی) برای سناریو چهارم براساس آزمون F لیمر و هاسمن انجام و نتایج آن در جدول (۱۲) ارائه شد. براساس گزارش جدول مذکور اثرات ثابت تایید شده است.

جدول ۱۲. آزمون اثرات ثابت و تصادفی سناریوی اول

آزمون f لیمر و هاسمن	ارزش احتمال
Prob F	۰/۰۰۰
Prob Chi ²	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته های تحقیق

نتایج آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس مدل برای سناریو چهارم به شرح جدول (۱۳) می باشد که نشان می دهد مدل مورد مطالعه دارای خود همبستگی و ناهمسانی واریانس است، لذا برای تخمین مدل از رویکرد^۱ FGLS استفاده می شود.

جدول ۱۳. آزمون خود همبستگی و ناهمسانی واریانس برای سناریو اول

آزمون خود همبستگی (ولدریچ) و ناهمسانی واریانس (والد)	ارزش احتمال
Prob Chi ²	۰/۰۰۰
Prob F	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته های تحقیق

¹ Feasible Generalized Least Squares

متغیرها	علامت اختصاری	ضریب	ضرایب نرمال شده	آماره Z	احتمال
عوامل اقتصادی	EcF	۰,۰۵	۰,۲۰	۱/۹۴	۰/۰۵
عوامل زیربنایی	InfF	-۰,۰۱۳	--	-۰/۶۱	۰/۵۴
عوامل نهادی	InsF	۰,۰۸	۰,۳۲	۳/۳۷	۰/۰۰۱
عوامل حقوقی	LF	۰,۱۲	۰,۴۸	۴/۳	۰/۰۰۰
عوامل اجرایی	ExF	-۰,۰۲	--	-۰/۹	۰/۳۴
مقدار ثابت	C	۶,۳	--	۴۵	۰/۰۰۰
آماره والد: ۲۱۴/۶۹			سطح معنی‌داری: ۰/۰۰۰		

ماخذ: یافته های تحقیق

ارائه شده در خصوص ابعاد محیط کسب و کار از تنوع زیادی برخوردار بوده و دیدگاه های مختلف در این زمینه وجود دارد. طبقه بندی و تحلیل دیدگاه های مختلف در این مطالعه، پنج محور مهم در فضای کسب و کار یعنی، ۱- محور مربوط به عوامل اقتصادی ۲- محور زیر ساخت ها ۳- محور نهادی ۴- محور حقوقی ۵- محور اجرایی را مورد توجه قرار داد. در ادامه براساس گزارش پایش محیط کسب و کار که به صورت فصلی و استانی توسط اتاق بازرگانی، صنایع و معادن، اتاق تعاون و اتاق اصناف رصد می شود، شاخص هایی متناسب با هر کدام از این محورها مد نظر قرار گرفت و با استفاده از تکنیک مولفه هایی اصلی و ترکیب شاخص های هر محور، محورهای مذکور به تفکیک استانی مورد سنجش قرار گرفت. سپس با معرفی الگویی تاثیر هر کدام از محورها بر شاخص کسب و کار استانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج الگو برای همه استان های کشور نشان داد که عوامل زیر بنایی، نهادی، اقتصادی و حقوقی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر ارتقا شاخص کسب و کار دارند، اما عوامل اجرایی تاثیری بر شاخص کسب و کار ندارد. نتایج این مطالعه با یافته های مطالعات انجام شده در این ارتباط از جمله مطالعه درسکی (۲۰۲۰)، دهقانی و همکاران (۱۳۹۶) و مطالعه خیاره و رستمی (۱۳۹۸) که نهادهای اقتصادی و

در نهایت به عنایت به ضرایب نرمال شده در ۴ سناریوی مورد مطالعه، می توان نتایج را جهت مقایسه بهتر در جدول ۱۵ به شرح زیر ارائه نمود.

جدول شماره ۱۵. ضرایب نرمال شده عوامل اثرگذار (به درصد) و به تفکیک سطوح استانی

عوامل استان	اقتصادی	زیربنایی	نهادی	حقوقی	اجرایی
کل استان ها	۲۰	۴۴	۲۱	۱۴	
استان های صنعتی	۱۶	۵۹	۲۵	-۱۶	۱۶
استان های نیمه صنعتی	۱۶	۵۱		۳۳	
استان های سنتی	۲۰		۳۳	۴۸	

ماخذ: محاسبات تحقیق

۵- جمع بندی و پیشنهادها

بررسی مطالعات نشان می دهد که بهبود فضای کسب و کار در جوامع مختلف به ابعادی مشخصی از کسب و کار وابسته است و سیاست های دولت در کسب و کار زمانی عملکرد بهتری از خود نشان می دهند که ابعاد مهم کسب و کار در جوامع شناسایی و مورد توجه قرار گیرند. از طرفی مروری بر ادبیات فضای کسب و کار حاکی از آن بود که نظرات

نظام حقوقی و قضایی را بر فضای کسب و کار موثر می دانند، سازگار است.

در ادامه بررسی تاثیر هر کدام از محورهای شاخص کسب و کار در استان های صنعتی نشان داد که عوامل زیربنایی، نهادی، اجرایی و اقتصادی به ترتیب بیشترین تاثیر را بر ارتقاء فضای کسب و کار داشته و عوامل حقوقی در این استانها به عنوان موانعی برای بهبود فضای کسب و کار عمل می کنند. همچنین در استان های نیمه صنعتی، عوامل زیر بنایی، حقوقی و اقتصادی و در استان های سنتی عوامل زیر بنایی، حقوقی و اقتصادی به ترتیب دارای بیشترین تاثیر بر بهبود فضای کسب و کار هستند. با دقت در یافته های این مطالعه نکات زیر قابل استنباط است.

- عوامل زیر بنایی در استان های نیمه صنعتی و بخصوص استان های صنعتی بیشترین اثرگذاری را بر ارتقاء کسب و کار دارند، در حالی که بر فضای کسب و کار استان های غیر صنعتی تاثیری ندارند. براین اساس می توان گفت با صنعتی شدن استان ها، اثرگذاری عوامل زیر بنایی بر بهبود کسب و کار بیشتر می شود. به عبارتی با صنعتی شدن استان ها، استفاده از ظرفیت های خالی زیربنایها، بیشتر شده و قابلیت زیربنایها در بهبود فضای کسب و کار نمایان می شود.

- نتایج حاصل از برآورد الگو و دقت در ضرایب نرمال شده برای سناریوهای مختلف نشان داد که ضریب اهمیت عوامل حقوقی در استان ها، متفاوت است. بطوریکه عوامل حقوقی در استان های سنتی بیشترین تاثیر را بر بهبود فضای کسب و کار دارند، اما در استان های نیمه صنعتی از اهمیت این عوامل کاسته شده و در استان های صنعتی عوامل حقوقی به عنوان مانعی برای توسعه کسب و کار عمل می کنند. این امر با عنایت به

شاخص منظور شده برای عوامل حقوقی در این مطالعه) از جمله بی تعهدی طرف های قرارداد و ضعف دادگاهها در رسیدگی به شکایات و پیگرد موثر متجاوزان به حقوق دیگران) و همچنین یکسان بودن رویه های قضایی و حقوقی برای همه استان ها در کشور، ضرورت توجه به تناسب رویه های قضایی و پیچیدگی های اقتصادی استان های کشور را مورد تاکید قرار می دهد. - علیرغم اینکه ضرایب نرمال شده مدل های برآورد شده نشان می دهد که میزان اهمیت عوامل نهادی در استان های سنتی بیشتر از استان های صنعتی است، اما با عنایت به ضرایب مذکور تفاوت در میزان اهمیت عوامل نهادها بین استان های صنعتی و غیر صنعتی به میزانی نیست که بتوان در این خصوص تحلیل روشنی را ارائه داد. همچنین اهمیت عوامل اقتصادی در تمامی گروههای استانی تا حد زیادی مشابه است.

- براساس برآورد های صورت گرفته، عوامل اجرایی در استان های صنعتی بر بهبود فضای کسب و کار تاثیری مثبت، اما ناچیز دارد، در حالی که در استان های نیمه صنعتی و سنتی بر فضای کسب و کار تاثیر ندارد. این یافته نشان می دهد که در فرآیند بهبود فضای کسب و کار و برنامه ریزی برای بهبود آن، علیرغم اینکه عوامل زیربنایی، حقوقی، نهادی و اقتصادی مقدم بر عوامل اجرایی است، اما جهت اثر بخشی عوامل اجرایی بر بهبود فضای کسب و کار لازم است بر تغییر رویه های اجرایی توجه شود.

با عنایت به موارد فوق می توان چنین استنباط نمود که برای بهبود کسب و کار در استان های کشور لازم است چارچوب های حقوقی متناسب با توسعه صنعتی استان ها بروز گردد و زیر بناها در استان های صنعتی و نیمه صنعتی تقویت شوند.

- Berg, J. and Cazes, S. (2007), The Doing Business Indicators: Measurement Issues and Political Implications, Employment Analysis and Research Unit, Economic and Labor Market Analysis Department, Geneva: ILO.
- Cepel, M., Stasiukynas, A., Kotaskova, A. and Dvorsky, J., (2018). Business environment quality index in the SME segment. *Journal of Competitiveness*, 10 (2), 21-40.
- Dehghani, H., Akhtari, A. P., Ghazikhani, S. F., Habibi, Z., & Mirani, N. (2017). Investigating, monitoring and prioritizing the factors affecting the business environment of Kurdistan province using the Analytical Hierarchy Process (AHP). In *The First International Conference on Economic Planning, Sustainable and Balanced Regional Development: Approaches and Applications*. (in persian)
- Desoto, H. (2001). *The Mystery of Capital: Why Capitalism Triumphs in the West and Fails Everywhere Else*. *Finance & Development: A Quarterly Magazine of the IMF*, 38(1), 4-7.
- Djankov, S & Mcliesh, C & Ramalho, M. (2006), Regulation and growth, *Economics Letters*, 92 ,395–401
- Driemeier, M.H. and Pritchett, L. (2010), How Business Is Done and the Doing Business Indicators: The Investment Climate when Firms Have Climate Control, *The WorldBank, Research Working*.
- Dvorsky, J., Gavurova, B., Čepel, M. & Červinka, M. (2020), Impact of Selected Economic Factors on the Business Environment: The Case of Selected East European, *Polish Journal of management Studie*, 2, 96-110
- Economic Studies Office of the Majlis Research Center. (2019). Monitoring investment security by provinces and fields of work (Subject Code 220, Serial No. 16619). (in persian)
- Fallah-Haghighi, N., Armaghan, N., & Bijani, M. (2017). Analysis of the business environment pathologies in Yazd province. *Journal of Technology Development Management*, 5 (3), 143–167.

تعارض منافع

در پژوهش حاضر تعارض منافع وجود ندارد.

در دسترس بودن داده‌ها

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اخذ شده‌اند. داده‌ها در صورت درخواست نشریه، قابل ارائه هستند.

تعامل نویسنده

تمام نویسندگان در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

منبع مقاله

مقاله حاصل فعالیت تحقیقاتی محققین است.

شفاف‌سازی

در تدوین این مقاله از هوش مصنوعی یا فناوری‌های مشابه استفاده نشده است.

References

- Abdu, M., Jibir, A., Abdullahi, S. et al. (2021). Drivers of manufacturing firms' productivity: a micro-perspective to industrialization in Nigeria. *SN Bus Econ* 1, <https://doi.org/10.1007/s43546-020-00026-5>
- Afshar, M. (2013). The role of government in the business environment. Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran. (in persian)
- Amini, A. (2013). Pathology of the business environment of Iran's economy: Opportunities and challenges ahead; Diagnosis of issues and challenges facing Iran's business environment. In *The First Conference on Sustainable Development with an Approach to Improving the Business Environment*. (in persian)
- Bafandeh Zende, A., Keikhosrovi, A., & Bagheri Farahbakhsh, S. (2021). Investigating the factors affecting the improvement of the domestic business environment and its role in Iran's success in international trade. In *The 6th International Conference on Management, Global Trade, Economics, Finance and Social Sciences*. (in persian)
- Baltagi, B. (2005). *Econometric Analysis of Panel Data*, Publisher: Wiley.

- OECD (2008), Supporting Business Environment Reform, Practical Guidance for Development Agencies. opportunity Nexus, Edward Elgar Publishing
- Research and Economic Survey Center of Kerman Chamber of Commerce. (2012). A survey of the business environment status of Kerman province. (in persian)
<https://www.otagh-bazargani.com/images/stories/pdf/Articles/102.pdf>
- Shane S. (2003), A General Theory of Entrepreneurship: The Individual-opportunity Nexus, Edward Elgar Publishing
- Shirkevand, S. (2011). Investigating the factors affecting the measurement and improvement of the business environment in Iran. Center for Economic Studies and Surveys of the Tehran Chamber of Commerce, Industries and Mines. (in persian)
- Singh, G. (2015), Relationship between Doing Business Index and Foreign Direct Investment ‘ Conference Paper, <https://www.researchgate.net/publication/290315579>
- Svilane, I. & Kalkis, H. (2023), External Factors of Business Environmental and Family Business: Theretical review ‘journal Business & IT, 2,1-16
- Teodorica, G. (2015), Effect of Ease of Doing Business to Economic Growth among Selected Countries in Asia ‘Asia Pacific Journal of Multidisciplinary Research, 3(5), 139-145
- Werner.H., Botha, I. & Els, G. (2023), Determining the business environmental factor constructs relevant to small and medium-sized enterprises trade credit management, South African Journal of Economic and Management Sciences 26(1), a4764.
<https://doi.org/10.4102/sajems.v26i1.4764>
- World Bank. (2021) Doing Business Dataset and Report. Available at: <http://www.doingbusiness.org>
- <https://doi.org/10.1007/s43546-020-00026-5>. (in persian)
- Hulleman, W., Marijs, A. J. (2021). Economics and Business Environment, 2, 392 - 17
- Jafari Eskandari, M., Ali Ahmadi, A., Khaleghi, G., & Heydari, M. (2010). Evaluation of Iran's industrial business environment in support of the private sector with a balanced scorecard approach., International Journal of Industrial Engineering and Production Management, 21 (2). (in persian)
- Kiyentei Benneth, G. & Humphrey Obinn, A. (2023), International of Research and Inovation in of Social of Scieince, The Impact of Macro-Environmental Factors on Business Performance, 4(6),1837-1843
- Lee, S. (2008), The World Bank’s Employing Workers Index: Findings and Critiques A Review of Recent Evidence, International Labor Review, 147(4), 416–432.
- Levine, A., Lin, C. F. & Chu, C. S. (2002). Unit Root Tests in Panel Data: Asymptotic and Finite Sample Properties, Journal of Econometrics. 108, 1-24.
- Makyān, S. N., Meybodi Emami, M., Eshrati, S., & Ahmadi, Z. (2013). Business environment, growth strategy: A comparison of Islamic countries in the MENA region and the OECD. Quarterly Journal of Economic Growth and Development, 311, 76–84. (in persian)
- Meydari, A., Nasiri Aghdam, A., & Mortazavifar, Z. (2013). Evaluation of barriers to doing business in Zanjan province. *Economic Research, 48 (3), 129–147. (in persian)
- Mohammadi Khyareh, M., & Rostami, N. (2019). Investigating and prioritizing factors affecting the business environment in Golestan province. Journal of Economics and Regional Development Research, 26, 128–139. (in persian)
- Moradi, M. A. (2014). Business environment: Theories, indicators and techniques (2nd ed.). University of Tehran Press. (in persian)